



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(فصل) : وردت الرخصة فی إفطار شهر رمضان لأشخاص بل قد يجب : الأول والثاني : الشيخ والشيخة إذا تعذر عليهما الصوم أو كان حرجاً ومشقةً فيجوز لهما الإفطار لكن يجب عليهما في صورة المشقة بل في صورة التعذر أيضاً التكفير بدل كل يوم بمد من طعام ، والأحوط مدان والأفضل كونهما من حنطة والأقوى وجوب القضاء عليهما لو تمكنا بعد ذلك .

همانطور که می بینید صاحب عروة برای شیخ و شیخة دو تفصیل قائل شده است ؛ اول اینکه صوم برای آنها متعذر است یعنی اصلاً قدرت گرفتن روزه را ندارند و دوم اینکه قدرت بر صوم دارند ولی دچار مشقت و حرج می شوند که در این دو صورت **فيجوز لهما الإفطار** . خوب بحث مهمی که در اینجا وجود دارد این است که باید ببینیم در شیخ و شیخة چه چیزی ملاک و میزان در جواز افطار و نگرفتن روزه می باشد آیا سن آنها ملاک است یا چیز دیگری ؟ البته با وجود این دو موضوع (تعذر ، و مشقت و حرج) در غیر از شیخ و شیخة هم افطار جایز است و روزه بر او واجب نیست لذا ما باید ببینیم که به چه دلیل شیخ و شیخة را ذکر کرده اند و چه خصوصیتی در آنها وجود دارد که موضوعیت پیدا کرده اند؟ صاحب جواهر اواخر جلد ۱۷ از جواهر در بحث شیخ و شیخة می فرمایند که مراد از شیخ و شیخة کسانی هستند که به خاطر ضعف هاضمه باید زود به زود غذا بخورند که این با صوم نمی سازد (زیرا صوم آن است که از طلوع فجر تا مغرب امساک کند) ، بعد ایشان می فرمایند که صاحب قاموس فرموده که ۵۰ سال تا ۸۰ سال ملاک است در حالی که این حرف صحیح نیست زیرا خیلی از افراد هستند که ۵۰ یا ۶۰ سال سن دارند و روزه می گیرند و هیچ مشکلی هم برای آنها بوجود نمی آید بنابراین سن خاصی میزان نیست بلکه معیار همان است که بیان شد (کسانی که به واسطه ضعف هاضمه باید زود به زود غذا بخورند) و اما علت

اینکه شیخ و شیخة به طور خاص ذکر شده اند این است که شیخ و شیخة در روایات ما مورد سؤال قرار گرفته اند و نوعاً هم شیخ و شیخة دچار این ضعف هاضمه می شوند ، بنابراین ملاک سن نیست بلکه ملاک ضعف هاضمه می باشد چه شیخ و شیخة باشد و یا افراد دیگر باشند . اصل مطلب همین بود که به عرضتان رسید و موضوع برای ما روشن شد منتهی چند مطلب در اینجا وجود دارد که صاحب عروة بعد از روشن شدن معنی شیخ و شیخة بیان کرده اند ؛ اول اینکه بر اینها واجب است که کفاره بدهند ، خوب کفاره در آن جایی که قدرت داشت ولی حرج و مشقت شدید بود مسلم است ولی آیا کسی که روزه برایش متعذر شده نیز باید کفاره بدهد؟ زیرا کفاره در جایی ثابت است که یک حکمی از طرف شارع آمده و مکلف نتوانسته آن را امتثال کند و یا عصیان کرده لذا شارع به جای آن کفاره را گذاشته است و اما آن کسانی که اصلاً قدرت ندارند حکمی ندارند و چیزی بر آنها واجب نیست که در صورت عدم امتثال و یا عصیان بخواهند کفاره آن را بدهند ، منتهی صاحب عروة کفاره را در هر دو صورت (تعذر و مشقت) واجب می داند برخلاف بسیاری از محشین عروه مثل حضرت امام (ره) و آقای بروجردی و آقای خوئی و همچنین بنده که کفاره را فقط در صورت مشقت و حرج واجب می دانیم ، بنابراین یکی از مطالبی که باید درباره آن بحث کنیم همین است که آیا کفاره فقط به صورت مشقت اختصاص دارد یا اینکه اعم است و شامل صورت تعذر هم می شود ؟ . مطلب دیگری که باید از آن بحث شود مقدار کفاره است که در بعضی از روایات ما یک مدّ و در بعضی دیگر مدّین ذکر شده است . مطلب بعدی این است که در بعضی از روایات ما گفته شده ؛ **مدّ من حنطة** و در بعضی دیگر گفته شده ؛ **مدّ من طعام** (خوردنی) . مطلب دیگر که باید از آن بحث شود این است که صاحب عروة فرموده اند ؛ **والأقوى وجوب القضاء عليهما لو تمكنا بعد ذلك** ، بنابراین ما درباره این چند مطلب باید بحث کنیم . خوب و اما در مورد مطلب اول (آیا فدية فقط در صورت مشقت و حرج واجب است یا شامل صورت تعذر هم می شود؟) باید عرض کنیم که مشهور قائلند که در هر دو

فرموده اند که ضعف با عجز فرق دارد و در روایت گفته نشده ؛ **يعجز عن الصوم** بلکه گفته شده ؛ **يضعف عن الصوم** و معلوم است که ضعف در مقابل قوت و عجز در مقابل قدرت می باشد لذا **يضعف فقط دال بر مشقت و عدم قوت می باشد و دیگر شامل تعذر و عدم قدرت نمی شود** بنابراین نمی توانیم به این سه خبر برای اعم از تعذر و مشقت استدلال کنیم . و اما خبر ۱۰ از همین باب ۱۵ این خبر است : « **وباسناده عن سعد بن عبدالله عن محمد بن خالد الطيالسی عن ابراهیم بن ابي زياد الكرخي قال : قلت لأبي عبدالله (ع) رجل شيخ لا يستطيع القيام إلى الخلاء (لضعفه به) ولا يمكنه الركوع والسجود ؟ فقال : ليوميء برأسه إيماءً - إلى أن قال :- قلت : فالصيام ؟ قال : إذا كان في ذلك الحد فقد وضع الله عنه ، فإن كانت له مقدرة فصدقه مد من طعام بدل كل يوم أحب إلى ، وإن لم يكن له يسار ذلك فلا شيء عليه .** » در این خبر علاوه بر اینکه ضعیف است گفته شده ؛ **أحب إلى** که این جمله بر استحباب دلالت دارد ، بنابراین هیچکدام از این اخبار که تا به حالا خواندیم بر وجوب کفاره در هر دو صورت مشقت و تعذر باهم دلالت ندارند لذا قدر متیقن فقط وجوب کفاره در صورت مشقت و حرج می باشد دون صورت تعذر ...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

صورت باید کفاره بدهد البته این شهرت فتوایی است خلافاً للمفيد والمرضى و عده ای دیگر که گفته اند فقط در صورت مشقت و حرج کفاره ثابت است و در صورت تعذر اصلاً امر ندارد که بخواهد به خاطر عدم امتتالش کفاره بدهد که نظر بنده هم همین است . خوب و اما دلیل مشهور که می گویند کفاره اعم است و شامل هر دو صورت می شود اخباری است که در باب ۱۵ از ابواب من يصح منه الصوم ذکر شده اند ، که خبر ۱ از این باب ۱۵ این خبر است : « **محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن علاء بن رزين عن محمد بن مسلم قال : سمعت أبا جعفر (ع) يقول : الشيخ الكبير والذي به العطاش لا حرج عليهما أن يفطرا في شهر رمضان ، و يتصدق كل واحد منهما في كل يوم بمد من طعام و لا قضاء عليهما ، فإن لم يقدرا فلا شيء عليهما .** » خبر سندا صحیح است و مشهور به اطلاق این خبر تمسک کرده اند و گفته اند که اطلاقش شامل هر دو صورت (مشقت و تعذر) می شود .

خبر بعدی خبر ۴ از همین باب ۱۵ می باشد ، خبر این است : « **و عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن عبد الملك بن عتبة الهاشمي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن الشيخ الكبير و المجوز الكبيرة التي تضعف عن الصوم في شهر رمضان؟ قال : تصدق في كل يوم بمد حنطة .** » عبد الملك بن عتبة هاشمی توثیق نشده و ضعف خبر از جهت او می باشد و در این خبر نیز مشهور به اطلاق کلمه ؛ **تضعف** تمسک کرده اند و گفته اند که شامل هر دو صورت می شود .

خبر بعدی که مشهور به آن استدلال کرده اند خبر ۹ از همین باب ۱۵ می باشد ، خبر این است : « **محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد عن محمد بن أبي عمير عن حماد بن عثمان عن الحلبي عن أبي عبدالله (ع) قال : سألته عن رجل كبير يضعف عن صوم شهر رمضان ؟ فقال : يتصدق بما يجزي عنه طعام مسكين لكل يوم .** » خبر سندا صحیح است و مثل خبر قبلی مشهور قائلند که اطلاق کلمه ؛ **يضعف** شامل هر دو صورت می شود . خوب و اما حالا باید جواب استدلال مشهور را بدهیم ، آقای خوئی در مستندالعروه بحثی را در این رابطه مطرح کرده اند و